

## تحصیل امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۲/۲۱

تاریخ تأیید مقاله: ۹۲/۳/۱۶

حسین رفیع \*

سیدمحمد جواد قربی \*\*

### چکیده:

با وقوع چالش‌های اخلاقی و تهدیدات پیش روی ارزش‌های نظام سیاسی حاکم، بحث امنیت ارزشی و اخلاقی در دهه‌های اخیر به یک پارادایم تبدیل شده است به گونه‌ای که، یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها، به‌خصوص نظام‌های ایدئولوژیک و ارزشی است. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران دارای اصول اخلاقی و ارزشی بسیاری است و بر روی مرزهای عقیدتی و اخلاقی اسلام استوار است، توجه به تأمین امنیت در حوزه‌های اخلاقی و ارزشی بسیار حائز اهمیت است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همانند سایر اسناد فرادستی بر مقوله‌های اخلاقی و ارزشی تأکید شده است؛ ولی آنچه در خور پژوهش و کنکاش علمی است و این پژوهش مترصد دستیابی به آن است، یافتن راهبردهای تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی در متن قانون اساسی است که از قابلیت‌های کاربردی فراوانی برخوردار است. با مذاقه در متن قانون اساسی، این مهم حاصل می‌گردد که توجه به اخلاق و ارزش در کنار تأمین امنیت در این حوزه‌ها، به صورت متوالی در اصول و مواد قانون اساسی قابل برداشت است و قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه، موظف به تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی برای شهروندان و جامعه ایران اسلامی هستند. برای دستیابی به نتایج پژوهش از روش اسنادی - تحلیلی بهره خواهیم گرفت.

**واژگان کلیدی:** امنیت، ارزش‌ها، اخلاق، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امنیت اخلاقی و ارزشی.

## ۱. طرح مسئله

دغدغه امنیت<sup>۱</sup>، همزاد اندیشه بشری است و بشر پیش از آن که به کاوش عملی برای استمرار حیات و بقاء بپردازد، به تفکر در ایجاد مأمونی مناسب جهت ایتنای سایر امور زندگی خود بر اساس امنیت بوده است. مسئله امنیت، هسته نهفته همه فعالیت‌های انسانی است و گاهاً شره دست‌یابی بیشتر به امنیت، ناامنی‌های زیادی را برای وی به دنبال داشته است (توماس، ۱۳۸۲: ۱۱). به همین دلیل است که امنیت یک مسئله قدیمی و هم یک موضوع بسط یافته جدید است (Wilkin, 2001). با این وجود، امنیت جزئی از مباحث مهم در تاریخ اندیشه و عمل سیاسی بوده و با مفهوم جامعه سالم و عدالت اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند (ویکلین، ۱۳۸۱: ۲۱)، البته نباید از این امر غافل گشت که مباحث پیرامون امنیت در جامعه‌شناسی و فرهنگ (ارزش‌ها و اخلاق) از قدمت چندانی برخوردار نیست و در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته است (کلمنتس، ۱۳۸۴). به عبارتی دیگر:

«به دنبال گسترش جهانی شدن و تحول در الگوهای حکومت‌داری و ارزش‌های سیاسی معطوف به دولت‌ها و مناسبات آنها با مردم، سطح دیگری از امنیت مورد توجه قرار گرفته است که به امنیت انسانی<sup>۲</sup> معروف است. امنیت انسانی از جذابیت زیادی میان مردم و جوامع انسانی برخوردار است و نگاهی اخلاقی و ارزشی به مقوله امنیت دارد.» (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۱۳)

بنابراین به نظر می‌رسد برای دست‌یابی به امنیت واقعی و پایدار در یک جامعه، باید در مفاهیم موجود در این زمینه تجدیدنظر و آن را در مسائل قابل تأمل‌تری همچون؛ ارزش‌های فرهنگی، اخلاق و مباحثی این چنین جست‌وجو کرد (آدمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۶). همانگونه که امام خمینی (ره) بر ابعاد فرهنگی - ارزشی و اخلاقی توجه داشتند و بر این اعتقاد بودند که اگر بعد اعتقادی و اخلاقی جامعه‌ای قوی باشد، تهدیدات اثری نخواهند داشت و سایر ابعاد امنیت، تحت الشعاع این بعد از امنیت ارزشی و اخلاقی قرار دارند. (درویشی، ۱۳۹۰: ۱۲۷). در بررسی اسناد فرادستی جمهوری اسلامی ایران، همچون قانون اساسی و سند چشم‌انداز می‌توان جهت‌گیری معطوف به امنیت اخلاقی و ارزشی را مشاهده کرد که در متن آنها موجود و بر روح آنها حاکم است (پورسعید، ۱۳۸۷ و قصری و دوستدار، ۱۳۸۸). بنابراین گفتمان امنیتی حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از نوع نرم‌افزاری است و مقولات اخلاقی<sup>۳</sup>، فرهنگی - ارزشی و اجتماعی حائز اهمیت است و بنابر ماهیت نظام

1. Security
2. Human Security
3. Moral

سیاسی، اهمیت امنیت ارزشی و اخلاقی بسیار بیشتر از امنیت سخت‌افزاری یا نظامی است، به‌گونه‌ای که نهادها و مسئولان در نظام جمهوری اسلامی بر طبق قانون اساسی موظف به تأمین امنیت ارزشی و اخلاقی هستند. به‌طور مثال، وسایل ارتباط جمعی موظف به صیانت از فرهنگ اسلامی و ارزش‌های جمهوری اسلامی هستند و یا اینکه سیستم قضاء وظیفه دارد تا از انحرافات موضعی در امت اسلامی پیشگیری به عمل آورد و از ارزش‌های اخلاقی حمایت کند. با این تفاسیر، ضروری است به راه‌های تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه یکی از اسناد مهم و فرادستی جمهوری اسلامی ایران توجه به عمل آید.

## ۲. مفهوم‌شناسی امنیت

امنیت از حیث ذاتی و اثرهای غیرقطعی است، یعنی نسبی است و به شکل مطلق بیان نشده است (لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۱۴۹) و این امر به‌دلیل گزینش مصادیق از گفتمان‌های مختلف است، از این رو پیوسته مشمول عدم ثبات و سیالیت شکلی و ماهوی است. همین امر سبب می‌شود با بروز متغیرهای جدید، امنیت نیاز به بازتعریف داشته باشد (کاوایی راد، ۱۳۸۳: ۶۷۰). امنیت در لغت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، تشویش، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن و حائل است (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۲۷). امنیت در زبان عربی مقابل «خوف» و به معنای اطمینان و در اصطلاح به معنای طمأنینه و آرامشی است که ترس و نگرانی را در حوزه فردی، اجتماعی و در همه زمینه‌های توسعه مادی و معنوی از انسان دور می‌نماید (عطارزاده، ۱۳۸۶: ۷۵). به همین دلیل است که امنیت نعمتی ارزشمند است که بدون آن، انسان نمی‌تواند به زندگی سالم دست یابد و از مواهب و امکانات بهره‌مند شود. امام صادق(ع) در این باره می‌فرماید:

«امنیت از اموری است که بدون آن، انسان نمی‌تواند از زندگی لذت ببرد.» (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۲۷)

اسلام برای امنیت اهمیت ویژه‌ای قائل است و حفظ و تأمین امنیت را از وظایف دولت اسلامی می‌داند و برای برقراری نظم و آرامش عمومی، دستورالعمل‌های ارزنده‌ای دارد. آیه ۵۵ سوره مبارکه نور، امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت الله و استخلاف صالحان و طرح امامت می‌شمارد<sup>۱</sup>.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.»

به استناد آیات ۱۲۵ و ۱۲۶ سوره مبارکه بقره، حضرت ابراهیم (ع)، معمار بیت‌الله و بنیان‌گذار خانه توحید، بهترین خواسته خود از خداوند درباره شهر مکه و بایسته‌ترین چیز برای آن را امنیت دانسته و آن را مهمترین مطالبه خود از خداوند قرار داده است (عطارزاده، ۱۳۸۷: ۹۹).

از دیدگاه «استانلی هافمن»<sup>۱</sup> امنیت عبارت است از: حفاظت از یک ملت در برابر حمله فیزیکی و مصون و محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریان‌های ویران‌کننده بیرونی. به نظر «ژول کومبان»<sup>۲</sup> امنیت واقعاً چیزی بیش از تأمین و حفظ وطن مردم و حتی سرزمین‌های ماورای دریاها متعلق به آنان معنا می‌دهد. امنیت کسب احترام و اعتبار جهانی، تأمین منافع اقتصادی مردم و هر چیز دیگری است که شأن و حیات ملت را می‌سازد. از دیدگاه «ریچارد کوپر»<sup>۳</sup> امنیت عبارت از: توان جامعه برای حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزش‌های خود است (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۵). در گفتمان ایجابی<sup>۴</sup> از امنیت و در دهه‌های اخیر معتقد هستند که امنیت در وضعیتی به وجود می‌آید که آن جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی‌اش دست یافته باشد و به همین خاطر، برای امنیت، ماهیتی تأسیسی<sup>۵</sup> قائل هستند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۵). پس امنیت را می‌توان، «توانمندی بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها و تضمین منافع و ارزش‌ها» تعریف کرد. این تعریف از امنیت، بر نگرش ذهنی و تفسیرگرایانه<sup>۶</sup> از خطرات غیرمادی مبتنی است (نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۸).

### ۳. اخلاق و ارزش در ارتباط وثیق با امنیت

درباره اینکه اخلاق بر چه امر یا اموری مبتنی است؟ نظریه‌های متفاوتی همچون نظریه مبتنی بر قانون طبیعی، نظریه مبتنی بر سرشت انسانی، نظریه مبتنی بر قرارداد میان اشخاص و نظریه مبتنی بر نیازها ارائه شده است. نظریه قانون طبیعی معتقد است: «الگویی از رفتار عمومی یا نظامی از آنچه باید انجام شود یا نشود، وجود دارد که از خود طبیعت نشئت می‌گیرد. قانون طبیعی، موافق با سرشتی است که خدا در همه انسان‌ها آفریده و از این روی، احکام آن استثنا‌بردار نیست». گفته می‌شود اصول اولیه و عام قوانین طبیعی بدیهی‌اند؛ مانند

1. Stanly Hofman
2. Jules Comban
3. Rihchard Copper
4. Positive Discourse
5. Nature formed
6. Mental Attitude And Interpretation Measures

خوب باید انجام شود و بد باید ترک گردد. در مراتب بعدی نیز طبیعت روشن می‌سازد که انسان باید چه کند. نظریه مبتنی بر سرشت انسان بر این باور است که انسان‌ها دارای سرشتی هستند که مبنای اخلاق را فراهم می‌سازد. ایده قراردادگرایی بر این امر استوار است که اخلاق هنگامی پدید می‌آید که افراد مجبور شوند قواعد ضروری زندگی اجتماعی را بپذیرند. بدین معنا که مردم ناچار هستند قواعدی وضع کنند که بر روابطشان حاکم باشد و توافق بر این قواعد است که زندگی اجتماعی را ممکن می‌سازد. نظریه مبتنی بر نیازها نیز معتقد است مردم نیازهای اساسی خاصی دارند و این نیازها هستند که رفتار را مشخص ساخته، و آن را توجیه و بیان می‌کنند و بالاخره نظریه مبتنی بر نیازها، معتقد است که انسان نیازها و خواسته‌هایی دارد که به صورت انگیزه‌هایی برای انواع رفتار خاص در می‌آیند و با به کار گرفتن آگاهی و شعور، در ما بایدهایی به وجود می‌آورند. در نتیجه، هر باید، معلول اقتضای نیازهای طبیعی و تکوینی انسان است (حاتمی و شمالی، ۱۳۸۹). در مصباح المنیر آمده است: «الخلق بضمیتین السجیه». خلق (با دو ضمیمه) به معنای سرشت است و علمای اخلاق نیز تعریفی که در اصطلاح برای خلق و اخلاق کرده‌اند، قریب به معنایی است که اهل لغت نموده‌اند. اخلاق را علم دانسته‌اند و «مرحوم نراقی» در تعریف علم اخلاق می‌گوید:

«علم اخلاق، دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات‌بخش و رها شدن از صفات هلاک‌کننده می‌باشد.» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲۴). در عین حال باید توجه داشت که اصول اخلاقی در نظام‌های دینی، جاودانه هستند (جوادی، ۱۳۸۳: ۵۳). به‌طور کلی اخلاق را می‌توان در دو بخش لغت و اصطلاح بررسی کرد.

### ۱-۳. اخلاق در لغت

غرایز، ملکات و صفات باطنی انسان «اخلاق» نامیده می‌شود و به رفتاری که از این خلقیات ناشی می‌شود نیز «اخلاق» یا رفتاری «اخلاقی» می‌گویند. در یک تعریف کلی، «اخلاق» آن سلسله صفاتی است که در نفس و روح انسان، ثابت و ریشه‌دار است و منشأ صدور کارهای «نیک» یا «بد» می‌باشد. راغب اصفهانی درباره این واژه می‌نویسد: «خَلَقَ و خُلِقَ، در اصل یکی هستند، اما «خَلَقَ» به هیأت، شکل و صورت‌هایی که با چشم درک می‌شود، اختصاص یافته و خُلِقَ به قوا و سجایایی که با بصیرت درک می‌شود، مختص شده است» از مجموع سخنان لغویان بر می‌آید که «خُلِقَ» صفت و کیفیت درونی ثابت در نفس انسان است. همچنین اخلاق، که مفرد آن «خُلِقَ» و «خُلِقَ» می‌باشد، در لغت به معنای سرشت، سجیه و طبیعت به کار رفته است. بنابراین، مفهوم اخلاق در لغت چندان اختلافی

نیست، سرشت، سجیه یا طبیعت، همگی حکایت از یک امر نفسانی در انسان می‌کند که بر آن «خُلُق» اطلاق می‌شود. منظور ملکه یا هیئت نفسانی است. در نگاهی دیگر، واژه «اخلاق»، برای مشخص کردن معیارهای «رفتار نیک» به کار می‌رود... عمل اخلاقی به طور صریح یا غیرصریح، مجموعه‌ای از هنجارهای مشترک و مناسب را مورد ارجاع و استناد قرار می‌دهد. از این رو، باید گفت: اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است و گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می‌شود، نیز اخلاق گفته می‌شود. «اخلاق» را از طریق آثار آن می‌توان چنین تعریف کرد: «گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری بطور مستمر از کسی سر می‌زند؛ مانند کمک به هموعان، این عمل، یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و اخلاق می‌نامند. از این رو، ابن مسکویه در کتاب «تهذیب‌الاخلاق و تطهیر الاعراق»، می‌گوید: «خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند، بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد.» فیض کاشانی نیز می‌گوید: «بدان که خوی عبارت است از: هیئتی استوار با نفس که افعال به آسانی و بدون نیاز به فکر و اندیشه از آن صادر می‌شود.» از این رو، اخلاق را به دو بخش تقسیم می‌کنند: «ملکاتی که سرچشمه پدید آمدن کارهای نیکو است و اخلاق خوب که «ملکات فضیله» نامیده می‌شود و آنهایی که منشأ اعمال بد است و به آن اخلاق بد و «ملکات رذیله» می‌گویند (فولادی، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۱۹).

## ۲-۳. اخلاق در اصطلاح

در اصطلاح می‌توان اخلاق را چنین تعریف کرد: اخلاق علمی است که از ملکات، صفات خوب، بد، ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید. به عبارت دیگر، سرچشمه‌های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد. بنابراین، اخلاق در اصطلاح، در حوزه‌های گوناگونی از علوم مطرح شده و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است. اما اجمالاً، علمای اخلاق معمولاً «خُلُق» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ملکه نفسانی که افعال از آن به آسانی صادر می‌شود.» آیت‌الله مصباح، این تعریف را کامل ندانسته، معتقدند: «موضوع علم اخلاق، اعم از ملکات نفسانی که فلاسفه اخلاق تاکنون بر آن تأکید داشته‌اند، بوده و شامل همه کارهای اختیاری انسان می‌شود که ارزشی است؛ یعنی متصف به خوب و بد بوده و می‌تواند برای نفس کمالی را فراهم آورد و یا موجب رذیلت و نقصی در نفس شود.» آیت‌الله جوادی آملی نیز اخلاق را این‌گونه تعریف می‌کنند: «اخلاق، عبارت از ملکات و هیئت‌های نفسانی است که اگر نفس به آن متصف شود، به سهولت کاری

را انجام می‌دهد. همان‌طور که صاحبان صنعت‌ها و حرفه‌ها به سهولت کار خود را انجام می‌دهند، صاحبان ملکات فاضله و رذیله هم به سهولت کار خوب یا بد می‌کنند. پس اخلاق عبارت از: ملکات نفسانی و هیئات روحی است که باعث می‌شود کارها، زشت یا زیبا، به آسانی از نفس متخلق به اخلاق خاص، نشأت گیرد.<sup>۱</sup> حاصل آنکه، علم اخلاق عبارت است از: فنی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست. با این هدف که، فضائل آنها را از رذائلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی، انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک بد و رذیله و مایه نقص اوست تا آدمی پس از شناسایی آنها، خود را با فضائل بیاراید و از رذائل دور کند. در نتیجه، اعمال نیکی که مقتضای فضائل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را به‌خود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند. حاصل آنکه، مراد از اخلاق در اینجا، نه تنها مطلق صفات نفسانی و هر فعلی است که متصف «خوب» و یا «بد» شده و برای نفس آدمی موجب کمال و یا نقص شود، بلکه امری فراتر از ملکات نفسانی، فضائل و رذائل و اصول و فروع آنهاست. بدین ترتیب، اخلاق شامل ملکات نفسانی، حالات روحی، روانی، آداب فردی، آداب اجتماعی و کلیه افعال اختیاری، اعم از جوارحی و جوانحی است که متصف به «خوب» و «بد» می‌شوند و دارای بار ارزشی هستند و انسان را در نیل به کمال نهایی، یعنی قرب الهی و عبودیت و بندگی کمک می‌کند (فولادی، ۱۳۸۹: ۱۲۳-۱۲۰).

در کنار واژه اخلاق، «ارزش»<sup>۱</sup> قرار دارد که معمولاً ارتباط وثیقی با یکدیگر دارند تا جایی که می‌توان بیان کرد، ارزش‌ها مشروعیت‌بخش هنجارها<sup>۲</sup> هستند و هنجارهای مورد وثوق و اعتماد در یک اجتماع، ناشی از ارزش‌ها، نظام ارزشی و اخلاقی مورد پذیرش جامعه است و هنجارها توسط ارزش‌ها، توجیه شده و مشروعیت می‌یابند (ببی، ۱۳۷۶). واژه ارزش، اسم مصدر ارزیدن و به معنای استحقاق، قدر، مرتبه، لیاقت، شایستگی، زیندگی، برازندگی و قابلیت است. ارزش در جامعه‌شناسی به معنای خوب یا بد، شایسته و مطلوب یا ناشایست و نامطلوب نزدیک فرد یا گروه تعریف شده است. برخی آن را به هنجار و معیار انتخاب یک فرد یا گروه از میان علی‌البدل‌های مربوط به یک موقعیت تعریف کرده‌اند. ارزش‌های معنوی با ریشه دینی، با توجه به منشأ پیدایش آن که وحی الهی است، نه تنها ثابت و تغییرناپذیر

1. Value  
2. Norms



هستند، بلکه متضمن سعادت بشر در هر زمان و مکانی است (نوری، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۷). از آنجایی که امنیت از ارزش‌های مشترک بشری محسوب می‌شود و به تعبیر «ریچار لیتل<sup>۱</sup>»، حاوی عنصری ایدئولوژیک است که شواهد و دلایل تجربی را که می‌توان به‌عنوان ابزاری مؤثر برای حل مناقشات و ستیزها در خدمت گرفته شوند را غیر مربوط جلوه می‌دهند. امروزه تلاش‌های مختلفی به‌منظور «اخلاقی کردن امنیت»<sup>۲</sup> انجام می‌شود.

«کلگی» معتقد است اخلاق و ارزش‌ها نه تنها در تعریف و شناخت شرایط و اوضاع مختلف تأثیر دارند؛ بلکه در تعیین اولویت‌ها و اهداف، تشخیص و به‌دست آوردن مفاهیم و شیوه‌های جایگزین دیگر و انتخاب بهترین روش برای نیل به اهداف نیز تأثیرگذار است. تلاش برای ترسیم چشم‌انداز و منظری ارزشی و اخلاق محور برای امنیت می‌تواند گامی بلند در ایجاد باورها، هنجارهای مشترک و رفتارهای نسبتاً مشترک در ابعاد مختلف باشد. در همین رابطه، امنیت در سطح فردی یک ارزش مشترک بشری است و در سطح جمعی و گروهی، یک ارزش گروهی و در سطح اجتماعی، یک ارزش اجتماعی محسوب می‌گردد و به‌مثابه واقعیت در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی از مطالبات جدی و اساسی دولت‌ها و نظام‌های سیاسی تلقی می‌شود. اخلاقی کردن امنیت و بهره‌گیری از رویکردهای اخلاق محور، معنوی، انسانی و فرهنگی از مهمترین ابعاد تلقی امنیت به‌مثابه ارزش می‌تواند باشد و در پرتو چنین رویکردی، «امنیت پایدار»<sup>۳</sup> تحقق پیدا می‌کند (ترابی، ۱۳۸۶: ۱۳۲-۱۳۱). برخی رویکردهای اخلاقی و ارزشی امنیت عبارتند از:

۱. ایده امنیت مشترک<sup>۴</sup> (Palme, ۱۹۸۲)،

۲. ایده اجتماع امنیتی<sup>۵</sup> (Adler, ۱۹۹۷)،

۳. امنیت دسته جمعی<sup>۶</sup>،

۴. امنیت تعاونی<sup>۷</sup> (عبداله خانی، ۱۳۸۳).

بنابر وجود دو سطح ملی و انسانی، تعامل مفهوم امنیت در حوزه فرهنگ، در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توان انگیزه‌های پرداختن به موضوع امنیت اخلاقی و ارزشی را پیگیری نمود. در سطح ملی به‌دلیل ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، کنش‌های فرهنگی

1. Richard Little

2. Making Ethical Security

3. Sustainable Security

4. The idea of common security

5. The idea of security community

6. The Idea Of Collective security

7. The Idea Of Cooperative security



محقق شده در صحنه اجتماعی تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی یا امنیت نهاد دولت - ملت دارد. در سطح انسانی نیز رسالت الهی جمهوری اسلامی مستلزم تأمین حقوق انسانی تمامی افراد جامعه و صیانت از ارزش‌ها و اخلاقیات است. در نتیجه حاکمیت موظف است از حقوق مشروع فرهنگی خرده فرهنگ‌های تشکیل دهنده جامعه اسلامی پاسداری کند و این امر از یک سو، منجر به حفظ بنیادهای اخلاقی و ارزش‌های حاکم مورد توافق میان تمام خرده فرهنگ‌ها می‌شود و از سوی دیگر، تنوع فرهنگی را به عنوان خزانه‌ای گرانقدر برای پویایی فرهنگی حفظ می‌کند و فرهنگ‌های بومی و محلی<sup>۱</sup> را مورد توجه قرار می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۸). به همین دلیل است که مقام معظم رهبری، امنیت فرهنگی (ارزشی) و اخلاقی را مورد توجه قرار می‌دهند و در این زمینه می‌فرمایند:

«یک بخش دیگر، امنیت فرهنگی و امنیت اخلاقی است. مردم به جوانان و به فرزندان خود علاقمند هستند و از اینکه آنها دچار اعتیاد بشوند، دچار فساد اخلاق بشوند، دچار وسوسه‌هایی بشوند که آنها را از مسیر درست زندگی دور بیندازد، نگرانند. این نگرانی و دغدغه را چه کسی برطرف می‌کند؟ چه چیزی برطرف می‌کند؟ امنیت فرهنگی و اخلاقی.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۵)

با این منطق، امنیت ارزشی و اخلاقی را عامل استمرار نظام‌های سیاسی در بستر زمان، به رغم تغییر و تحولات بنیادینی که تجربه می‌کنند می‌داند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۳۳). بنابراین می‌توان مدعی شد که امنیت در عصر حاضر، به‌خصوص برای نظام‌های ارزشی، «ماهیتی اخلاق‌محور و ارزش‌مدار» دارد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

#### ۴. امنیت اخلاقی و ارزشی

از دیدگاه «استفان والت»<sup>۲</sup> امنیت را می‌توان در قالب دو گفتمان سلبی و ایجابی جمع‌بندی کرد. (Walt, 1997) در گفتمان‌های سلبی و سستی<sup>۳</sup>، امنیت شامل وضعیت مبتنی بر نبود تهدید است در حالی که در گفتمان ایجابی<sup>۴</sup>، تلقی از امنیت تغییر یافت. این گفتمان جدید، دو تغییر در تعریف امنیت به وجود آورد؛

الف) نگاه را از برون‌نگر به درون‌نگر تغییر داد. به عبارتی، به جای اینکه رفتار بیرونی‌ها

1. Local And Aboriginal Culture  
2. Stephan Walt  
3. Traditional Discourse  
4. Positive Discourse

را مبنا قرار دهد برای تجزیه و تحلیل وضعیت امنیت داخلی<sup>۱</sup>، سراغ ملاحظه‌ها و تحولات داخلی هر بازیگر رفت.

ب) رویکرد خود را از سخت‌افزاری به سمت نرم‌افزاری تغییر داد. این نگاه با گفتمان بومی - اسلامی امنیت، انطباق دارد. در گفتمان ایجابی و مثبت، امنیت عبارت است از: وضعیتی که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در چارچوب ضریب ایدئولوژیک آن جامعه، تعادل رضایت‌بخشی وجود دارد (عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۱: ۱۳-۱۲). به همین دلیل است که «اندرسون»<sup>۲</sup> مدعی می‌شود که امنیت ارزشی و اخلاقی را می‌توان به صورت امنیت هویتی درک کرد، به گونه‌ای که پایداری و تداوم الگوهای سنتی، فرهنگ، مذهب و ارزش‌ها، اخلاقیات، هویت ملی، آداب و رسوم برای تحول و تکامل مدنظر می‌باشد (شیهان، ۱۳۸۸: ۱۰۸-۱۰۷) و همین امر سبب شده است که پاسداری از ارزش‌ها و اخلاقیات در مقابل سرکوب، تحقیر و تحریف به‌عنوان اصلی‌ترین بنیان امنیت اجتماعی و فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران مطرح باشد.

پس، امنیت ارزشی و اخلاقی (فرهنگی) به شرایطی اشاره دارد که بقاء و توسعه هویت‌های فرهنگی مختلفی که در جایگاه حاکمیت و تسلط قرار ندارند، در سطوح مختلف اعم از محلی، منطقه‌ای و جهانی و در برابر نهادها و ساختارهای مختلف حاکمیت فرهنگی مانند حاکمیت‌های گوناگون دولتی، اجتماعی و جهانی به خطر می‌افتد که در اینجا تهدید فرهنگی به وجود می‌آید و زمانی که آزادی‌هایی که به هویت‌های فرهنگی افراد و گروه‌های غیرحاکم در ساختارهای آنارشیک مختلف اجازه بقاء و دسترسی به منابع حیاتی برای توسعه را می‌دهد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۹)، امنیت اخلاقی و ارزشی ایجاد می‌شود. به همین علت «ماس وینی» امنیت اخلاقی و ارزشی را در حفظ ارتباط متقابل بین دو زیر هویت سیاسی و اجتماعی در یک نظام، معنادار می‌داند (Macswweeney, ۱۹۹۹). البته با نگرشی در متن قانون اساسی و بیانات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) می‌توان امنیت ارزشی و اخلاقی را تحت لوای «امنیت مکتبی» مشاهده کرد. امام خمینی (ره) نگرشی مکتبی از ارزش‌ها و اخلاقیات در اسلام دارند (پورسعید، ۱۳۹۰: ۸۸). همانگونه که در کلام امام راحل مبرهن است: «اسلام و حکومت اسلامی، پدیده‌ای الهی است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت، به بالاترین وجه تأمین می‌کند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های

1. Homeland Security  
2. Anderson

غیرتوحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است.» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶).

بنابراین ارزش‌ها و اخلاقیات منبعث از اسلام، یک «فراگفتمان»<sup>۱</sup> هستند که از اقتدار بالایی برخوردار هستند که مرزهای جغرافیایی را درنور دیده‌اند و با توجه به اهمیت آنها باید در فضاهای اجتماعی و سیاسی سازماندهی شوند و به همین خاطر، نیازمند صیانت و حفاظت هستند. البته این نگاه مکتبی به اسلام و امنیت مکتبی (ارزشی و اخلاقی) در روح قانون اساسی وجود دارد، به گونه‌ای که در عباراتی همچون: «نهضت مکتبی»، «ارتش مکتبی»، «پاک نمودن آموزه‌های فکری بیگانه و زنگارهای طاغوتی»، «بازگشت به جهان‌بینی اصیل اسلامی»، «انتخاب صالحان عهده‌دار حکومت مکتبی»، «بازیابی هویت اصلی و حقوق انسانی»، «اشاعه فرهنگ اسلامی»، «استقلال‌یابی فرهنگی و اجتماعی»، «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی»، «مبارزه با فساد و تباهی» و غیره قابل مشاهده است. با این رویکرد، تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی یک امر بایسته‌ای است که قاعدتاً به راه‌های دستیابی به آن اشاره شده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

## ۵. راه‌های تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی

از آنجایی که امنیت را باید به‌عنوان اموری اجتماعی و فرهنگی، یعنی گونه‌ای روابط هنجاری قاعده‌مند تعریف کرد، ابزارهای امنیتی که به کمک آنها عاملان می‌توانند تمایلات خود را در مقابل رقبا و دشمنان محقق سازند، نیز محدودیت‌های قاعده‌مند مشخصی دارند. بنابراین گرچه ابزارهای زور و قدرت، تسلیحات نظامی، ابزارهای حتمی و قطعی امنیت محسوب شده‌اند؛ اما میزان کارایی آنها در تحقق بخش امنیت ارزشی و اخلاقی مورد سؤال قرار گرفته است. در عصر حاضر شیوه‌های گفتمان و تعاملات مدنی از الگوهای نظامی‌گری اهمیت بیشتر و کاربرد کم‌هزینه‌تری دارد (نویدینا، ۱۳۸۸: ۲۱-۲۰). امنیت ارزشی و اخلاقی را باید در سایه تقوا، عدالت، رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها و دفاع از محرومان و مظلومان و برخورد با مجرمان و بزهکاران و رفع فقر و تأمین رفاه و معیشت مردم و حفظ آزادی‌های مشروع و گسترش حاکمیت عدل و قانون با معیارهای الهی جست‌وجو کرد. در جامعه دینی، دین فقط یکی از عوامل تشکیل‌دهنده فرهنگ نیست، بلکه واقعیت اخلاق‌گرایی،

ارزش‌محوری و دین‌مداری، کل فرهنگ را شکل می‌دهد. پس مقابله با تهاجم فرهنگی در تضمین امنیت ارزشی و اخلاقی بسیار مهم است. این تهاجم در سه صورت تحمیل فرهنگی<sup>۱</sup>، تخریب فرهنگی<sup>۲</sup> و تهدید فرهنگی<sup>۳</sup> بروز می‌یابد. از این رو، رواج فرهنگ غربی که ضد دین، اخلاق‌زدا و سست‌کننده ارزش‌هاست، از مصادیق ناامنی ارزشی و اخلاقی است که می‌تواند تمام مرزهای هویت ارزشی و اخلاقی جامعه و فرد را از میان بردارد (امیرخانی، ۱۳۹۰: ۹۲-۹۱) و همین مسئله توجه به راهبردهای تحقق امنیت ارزشی و اخلاقی را توجیه می‌نماید و یکی از اسناد فرادستی و مهم برای شناخت و فهم این راهبردها برای جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی می‌باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذرماه ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) و با تأکید بر واژگانی چون جمهوریت و اسلامیت به منظور تأسیس نظام سیاسی جدید به تصویب ملت رسید و از این رو، لزوماً متضمن قرائتی از ایده امنیت ارزشی و اخلاقی و الزامات آن نیست. بنابراین برای درک شرایط امکان ساز امنیت انسانی در ایران امروز، نیاز به بازخوانی و بازفهمی قانون اساسی احساس می‌شود (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۴۶).

بر طبق قانون اساسی، جمهوری اسلامی، نظامی است که به «نهی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی» (اصل دوم) می‌پردازد و همه امکانات خود را برای «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» (اصل سوم)، «تقویت روح فرهنگی و اسلامی» (اصل سوم) و «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» (اصل سوم) به کار می‌گیرد. این ترتیبات نشان می‌دهد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اولاً توجه به ارکان اخلاق و ارزش را مطمع نظر دارد و رفع هرگونه بی‌اخلاقی‌ها و ارزش‌زدایی را برعهده جمهوری اسلامی قرار داده است. ثانیاً در تبیین چگونگی تحقق امور ارزشی و اخلاقی بر این است که نظام جمهوری اسلامی باید از تمام امکانات خویش برای اجرایی نمودن ارزش‌ها و اخلاق اسلامی بهره‌گیرد و این امر نشان می‌دهد که طبق اصول قانون اساسی، نظام سیاسی، یکی از مراجع امنیت اخلاقی و ارزشی است، زیرا بر اساس اصل هشتم قانون اساسی، «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی

1. Culturally Imposed
2. Cultural Destruction
3. Cultural Threat

و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت.» (اصل هشتم) می‌باشد. بنابراین علاوه بر دولت، آحاد ملت هم موظف به تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی هستند، همانگونه که در اصل نهم قانون اساسی، وظیفه حفظ و تأمین نیازهای اساسی نظام، «وظیفه دولت و آحاد ملت» (اصل نهم) ذکر شده است. آنچه باید در آن مذاقه نمود این امر می‌باشد که در فصل سوم قانون اساسی و اصول مربوط به حقوق ملت آمده است؛ «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» (اصل نوزدهم). این اصل حاکی از این است که دولت موظف است امنیت ارزشی و اخلاقی را برای همه افرادی که تبعه او هستند، فارغ از هر نوع جنس، قوم و مذهب، رنگ و نژادی به ارمغان آورد و اقلیت‌های دینی هم باید از امنیت اخلاقی و ارزشی برخوردار باشند همانگونه که در اصل بیست و سوم آمده است: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذة قرار داد.» (اصل بیست و سه) بنابراین باید اصول اخلاقی و ارزشی اقلیت‌ها را رعایت و امنیت را برای اخلاقیات و ارزش‌های آموزه‌های آنها فراهم آورد. به‌طور کلی، راهکارهای تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی می‌تواند توسط قوای سه‌گانه صورت بگیرد که به‌شرح زیر است:

۵-۱. راهبردهای تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی در سطح قوه مجریه یا نهاد دولت یکی از نهادهای مؤثر و تأثیرگذار در تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی، قوه مجریه است که طبق اصول مختلفی از قانون، موظف تأمین امنیت برای آحاد ملت و جامعه ایرانی است. برخی از این راهکارها عبارتند از:

۱. «نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.» (اصل دوم)،
۲. «ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوا.» (اصل سوم)،
۳. «مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی» (اصل سوم)،
۴. «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و غیره» (اصل سوم)،
۵. «تعمیم آموزش عالی و تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان» (اصل سوم)،
۶. «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» (اصل سوم)،

۷. «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی» (اصل سوم)،
۸. «محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» (اصل سوم)،
۹. «مشارکت دادن عامه مردم در سرنوشت اجتماعی و فرهنگی خویش» (اصل سوم)،
۱۰. «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» (اصل سوم)،
۱۱. «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی» (اصل سوم)،
۱۲. «ایجاد رفاه و رفع فقر» (اصل سوم)،
۱۳. «برطرف کردن هر نوع محرومیت» (اصل سوم)،
۱۴. «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم» (اصل سوم)،
۱۵. «اتکاء به آراء عمومی» (اصل ششم)،
۱۶. «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر» (اصل هشتم)،
۱۷. «دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنها را رعایت کنند.» (اصل چهاردهم)،
۱۸. «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.» (اصل بیست و یکم)،
۱۹. «تقتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و بازخواست قرار داد.» (اصل بیست و سوم)،
۲۰. «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزاد هستند.» (اصل بیست و چهارم)،
۲۱. «ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد.» (اصل چهل و سوم)،
۲۲. «تأمین نیازهای اساسی.» (اصل چهل و سوم)،
۲۳. «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین.» (اصل چهل و سوم)،
۲۴. «جلوگیری از بهره‌کشی.» (اصل چهل و سوم)،
۲۵. «دفاع از حقوق همه مسلمانان و نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری» (اصل پنجاه و دوم)،
۲۶. «آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.» (اصل یکصد و هفتاد و پنجم).

دولت یا قوه مجریه به مثابه نیرومندترین نهاد اجرایی کشور، نقش اساسی برای تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی را برعهده دارد. برای این که ارزش‌های اخلاقی همچون؛ برابری، آزادی، خودمختاری، استقلال، عدالت، حفظ محیط زیست، تقوا، نظم، عزت نفس و غیره، در کنار مقولات ارزشی منبعث از اسلام، دارای امنیت باشند دولت بر طبق قانون باید سعی کند زمینه‌های رشد اخلاق را در جامعه، با مبارزه علیه فساد و تباهی انجام دهد و در این مسیر باید از استعمار اجانب و نفوذ ارزش‌های منحط آنها جلوگیری کند، زیرا فرهنگ و ارزش‌های غیراخلاقی غرب، یکی از زمینه‌های ناامنی هستند. دولت باید استقلال ارزشی را برای افراد مهیا سازد و برای تحقق امنیت ارزشی و اخلاقی، از تمامی امکانات فرهنگی، علمی، فنی در کنار نظام آموزش عالی بهره گیرد.

در این میان، نظام سیاسی یا نهاد دولت می‌تواند با رفع محرومیت‌ها، ایجاد رفاه و زدودن فقر، رفع تبعیضات، ایجاد زمینه‌های مشارکت مردم، افزایش دادن سطح آگاهی‌های عمومی، تأمین تمام حقوق افراد، زمینه‌سازی تساوی مردم در سطوح گوناگون، حمایت از مستضعفان، امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق جنسیت‌ها، قومیت‌ها و اقلیت‌ها، عدم تفتیش عقاید، ایجاد تحصیل رایگان و غیره، زمینه‌های تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی را مهیا سازد.

## ۲-۵. تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی در سطح قوه قضائیه

قوه قضائیه طبق اصول قانون اساسی، دارای کارویژه‌هایی است که می‌تواند به امنیت اخلاقی و ارزشی صحنه بگذارد و در راستای تأمین آن در نظام سیاسی مؤثر باشد. این کارکردها به شرح زیر می‌باشند:

۱. «پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی.» (مقدمه قانون اساسی)
۲. «امنیت قضایی عادلانه برای همه.» (اصل سوم)،
۳. «تساوی عموم در برابر قانون.» (اصل سوم)،
۴. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد.» (اصل سوم)،
۵. «ایجاد دادگاه صالح.» (اصل بیست و یکم)،
۶. «حکم به مجازات و اجرای آن باید... به موجب قانون باشد.» (اصل سی و ششم)،
۷. «به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی پردازد.» (اصل شصت و یکم)،
۸. «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی.» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،
۹. «مسئول تحقق بخشیدن به عدالت.» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،



۱۰. «رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات و شکایات» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،

۱۱. «رفع خصومات و فصل دعاوی» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،

۱۲. «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،

۱۳. «نظارت بر حسن اجرای قوانین» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،

۱۴. «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،

۱۵. «اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام» (اصل یکصد و پنجاه و ششم)،

۱۶. «استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها» (اصل یکصد و پنجاه و هشت)،

۱۷. «اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی» (اصل یکصد و شصت)،

۱۸. «رسیدگی به دعوا و صدور حکم» (اصل یکصد و شصت و هفت)،

۱۹. «رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی» (اصل یکصد و شصت و هشت).

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف گوناگون است (اصل یکصد و پنجاه و هشت) و به عبارتی، مرجع اساسی تظلمات و شکایات دادگستری است. (اصل یکصد و پنجاه و نه)

این نهاد برای تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی می‌تواند با پاسداشت حقوق ملت و زمینه‌سازی برابری آنها در برابر قانون، حقوق همه‌جانبه آنها را تأمین کند و با حکم به مجازات و اجرای آن به موجب قانون برای حفظ حقوق عمومی، به تحقق عدالت، آزادی، خودمختاری و برابری همت گمارد. برخورد با مخالفان و متعديان از کارهای اساسی قوه قضائیه برای ایجاد امنیت اخلاقی و ارزشی محسوب می‌گردد که به‌وسیله نظارت احسن بر اجرای قوانین، اجرای حدود، استخدام قضات عادل، عزل قضات ناشایست، رسیدگی به دعاوی و جرائم سیاسی، امکان می‌یابد.

۳-۵. تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی توسط قوه مقننه

راهکارهای تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی در قوه مقننه به شرح زیر می‌باشد:

۱. «همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی

باشد». (اصل دهم)،

۲. «مراجعه مستقیم به آراء مردم.» (اصل پنجاه و نهم)،

۳. «پاسداری حریم اسلام.» (اصل شصت و هفتم)،

۴. «نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی ایران.»

(اصل شصت و هفتم)،

۵. «خدمت به مردم.» (اصل شصت و هفتم)،

۶. «تأمین مصالح مردم.» (اصل شصت و هفتم)،

۷. «رعایت امنیت کشور.» (اصل شصت و نهم)،

۸. «وضع قانون در عموم مسائل در حدود مقرر.» (اصل هفتاد و یکم)،

۹. «تحقیق و تفحص در تمام امور کشور.» (اصل هفتاد و ششم)،

۱۰. «رسیدگی به شکایات.» (اصل نودم)،

۱۱. «پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس

شورای اسلامی با آنها.» (اصل نود و یکم)،

قوه مقننه یا مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد (اصل شصت و دوم) و می‌تواند با قدرت‌هایی که در دست دارد به تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی در جمهوری اسلامی همت گمارد. قوه مقننه با تصویب لوایح و طرح‌های منبعث از آموزه‌های اسلام می‌تواند از اسلام، ارزش‌های دینی و باورهای اخلاقی صیانت نماید. در عین حال، قوه مقننه با تحقیق در باب امور کشوری و رسیدگی به شکایات در حدود مقرر و مطابق با امنیت کشور، زمینه‌ساز امنیت اخلاقی و ارزشی - فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران گردد.

### نتیجه‌گیری:

امنیت و تحقق آن یکی از دغدغه‌های اصلی بشر بوده است که از بدو تأسیس نظام‌های سیاسی به مثابه یک نیاز اساسی با آنها همدم بوده است. اما امنیت در گذر زمان با یک تحول گفتمانی روبه‌رو شده است و از رویکرد سلبی و منفی به سمت رویکرد ایجابی و مثبت حرکت کرده است. به عبارتی، دیگر امنیت سخت و نظامی مدنظر نبوده است، بلکه به تمامی ابعاد آن توجه شده است. حوزه‌های سیاست، اجتماع، شخصیت، فرهنگ و ارزش، اخلاق، قضاء، اقتصاد و زیست محیط در ارتباط و پیوند با مقوله امنیت، گستره یک امنیت موسع و



نرم‌افزاری را مهیاء کردند. این بعد از امنیت که دارای جنبه‌های اخلاقی، ارزشی و فرهنگی می‌باشد با گفتمان اسلامی امنیت، قابلیت تطبیق را دارد زیرا نظام‌های اسلامی و ارزشی دارای اصول و ارکان ارزشی، فرهنگ‌های بومی و اخلاق باور خاص خویش هستند و همین امر، لزوم تأمین امنیت در عرصه‌های فرهنگی و ارزشی را برای این نظام‌ها و به‌خصوص جمهوری اسلامی ایران مهیا می‌کند. برخلاف گذشته‌ها که راه تأمین امنیت، سخت‌افزار بوده است، امروزه تأمین امنیت از طریق ابزارهای فرهنگی و عاری از خشونت فیزیکی صورت می‌گیرد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امنیت اخلاقی و ارزشی به صورت مستقیم بحث نشده است، ولی در خلال مباحث مطروحه در فصول قانون اساسی، راهکارهای تحقق امنیت اخلاقی و ارزشی قابل استنتاج است. با مذاقه در متن قانون اساسی می‌توان به این مهم پی برد که تأمین امنیت اخلاقی و ارزشی می‌تواند به‌وسیله سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه صورت گیرد که هر کدام، کارویژه خاص خود را دارند. به‌طور کلی امنیت اخلاقی و ارزشی توسط این قوای سه‌گانه و با توجه به متن قانون اساسی، توسط راهکارهای زیر تحقق می‌یابد: ایجاد برابری، رعایت حقوق ملت، حفظ الگوهای سنتی و ارزشی، همزیستی مسالمت‌آمیز میان قوا و آحاد ملت، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فساد و پدیده‌های ناهنجار اجتماعی، جلوگیری از صدمه و آسیب دیدن اقشار مستضعف، پیشگیری از وقوع جرم، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی، تحقق بخشیدن عدالت، تدوین قانون براساس موازین شرعی و اسلامی، پاسداری از حقوق ملت در برابر اجانب، زمینه‌سازی رشد فضائل اخلاقی، مبارزه با مظاهر فساد و تباهی، تأمین آزادی‌های مدنی، ایجاد رفاه و کاهش دادن سطح فقر، از بین بردن محرومیت‌ها، گسترش امور تعلیم و تربیت همگانی، افزایش دادن مشارکت مردم در سرنوشت خویش و افزایش روند آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان، تقویت روح فرهنگی و اسلامی، توسعه و تحکیم برادری و تعاون در آحاد ملت، عدم تفتیش عقاید و غیره.

## منابع:

- آدمی، علی و دیگران. (۱۳۹۰). «الزامات گذار به امنیت ملی پایدار»، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
- اخترشهر، علی. (۱۳۸۶). «اسلام و توسعه»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۰). «فرهنگ امنیت جهانی»، در امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، اثر لای و لیتل، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴). «تکوین نظریه امنیت علوی؛ تحلیل دوران قبل از حکومت امام علی (ع)»، فصلنامه

- مطالعات راهبردی»، سال هشتم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۸).
- امام خمینی (ره). (۱۳۸۶). «صحیفه امام»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امیرخانی، کاوه. (۱۳۹۰). «مکتب امنیتی امام خمینی (ره)»، «فصلنامه مطالعات راهبردی»، سال چهاردهم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۴۵).
- بی، ارل. (۱۳۷۶). «جامعه‌شناسی انتقادی»، ترجمه محمدحسن پناهی، تهران: انتشارات باز.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۸۷). «امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، «فصلنامه مطالعات راهبردی»، سال یازدهم، پاییز، شماره ۳۵ (پیاپی ۴۱).
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۹۰). «مرجع امنیت در کنش‌گفتاری امام خمینی (ره)»، «در امام خمینی (ره) و بنیان‌های نظری امنیت در جمهوری اسلامی ایران»، به اهتمام فرزاد پورسعید، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ترابی، یوسف. (۱۳۸۶). «امنیت به مثابه ارزش»، «فصلنامه امنیت عمومی»، سال دوم، بهار، تابستان، شماره اول و دوم (مسلول ۲ و ۳).
- توماس، کارولین. (۱۳۸۲). «حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی»، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جواد، محسن. (۱۳۸۲-۸۳). «توجیه جاودانگی اصول اخلاقی بر مبنای نظریات اعتبارات از دیدگاه شهید مطهری»، «فصلنامه قیسات»، سال نهم، زمستان و بهار، شماره ۳۱ و ۳۰.
- حاتمی، محمدرضا و محمدعلی شمالی. (۱۳۸۹). «نظریه اخلاق مبتنی بر نیازها»، «فصلنامه معرفت اخلاقی»، سال اول، زمستان، شماره ۱.
- درویشی، فرهاد. (۱۳۹۰). «ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)»، «در امام خمینی (ره) و بنیان‌های نظری امنیت در جمهوری اسلامی ایران»، به اهتمام فرزاد پورسعید، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رهبری. (۱۳۸۴). «بیانات در صبحگاه مشترک نیروهای نظامی و انتظامی استان کرمان، ۱۵ اردیبهشت ماه.
- شیهان، مایکل. (۱۳۸۸). «امنیت بین‌الملل»، ترجمه سیدجلال دهقان فیروزآبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۳). «نظریه‌های امنیت»، جلد اول، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- عسگری، محمود و احمد آفاجانی. (۱۳۹۱). «الگوی چگونگی شکل‌گیری بحران‌های امنیتی»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال دهم، اردیبهشت، شماره ۱۰۸.
- عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۶). «امنیت مشارکت‌مدار دینی»، «فصلنامه امنیت عمومی»، سال دوم، بهار و تابستان، شماره اول و دوم (مسلول ۲ و ۳).
- عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۷). «امنیت‌مداری در رویکرد سیاست خارجی امام خمینی (ره)»، «فصلنامه دانش سیاسی»، سال چهارم، پاییز و زمستان، شماره دوم (پیاپی ۸).
- فولادی، محمد. (۱۳۸۹). «اخلاق و رسانه»، «فصلنامه معرفت اخلاقی»، سال اول، تابستان، شماره ۳.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۶). تدوین جهانگیر منصور، تهران: نشر داوران.
- قصری، محمد و رضا دوستار. (۱۳۸۸). «نگرش مفهومی و کارکردی امنیت انسانی در چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران»، در «امنیت انسانی در غرب آسیا»، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۳). «امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی»، «فصلنامه مطالعات راهبردی»، سال هفتم، زمستان، شماره ۴ (پیاپی ۲۶).

- کریمی، علی و اکبر بابایی. (۱۳۹۰). «امنیت ملی از منظر امام خمینی(ره)»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلمنتس، کوین. (۱۳۸۴). «به سوی جامعه‌شناسی امنیت»، ترجمه محمدعلی قاسمی، «فصلنامه مطالعات راهبردی»، سال هشتم، تابستان، شماره ۲.
- لای، آردی مک کین و آر لیتل. (۱۳۸۰). «امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها»، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدی، محمد. (۱۳۸۸). «قدرت نرم و امنیت فرهنگی»، «فصلنامه سیاست راهبردی»، سال دوم، زمستان و بهار، شماره ۶ و ۵.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۸۵). «بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق با رویکردی بر نظریات حضرت امام خمینی(ره)»، «پژوهشنامه متین»، سال هشتم، تابستان و پاییز، شماره ۳۱ و ۳۲.
- نوری، عبدالحسین. (۱۳۹۰). «جهانی شدن و ارزش‌های معنوی»، «فصلنامه سفیر»، ویژه‌نامه همایش اسلام، ارزش‌های دینی و جهانی شدن، سال پنجم، بهار، شماره ۱۷.
- نوری، غدیر. (۱۳۸۳). «جامعه‌شناسی امنیت ملی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران»، «فصلنامه مطالعات راهبردی»، سال هشتم، تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۲۸).
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۸). «امنیت اجتماعی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ویکلین، پیتر. (۱۳۸۱). «اقتصاد سیاسی ارتباطات جهانی و امنیت انسانی»، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یزدان فام، محمود. (۱۳۹۰). «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

#### Books

- Adler, Emannel, 1997, Imagined Security Communities cognitive Vegin, In International Relation.
- Macsweeny, Bill, 1992, Security, Identity And Interest, Cambridge, C.U.P.
- Palme, Olf, 1982, Palme Commission: Common Security, New York, Simon And Schuster.
- Walt, Stephan, 1997, Renaissance Of Security Studies, Mershon International Studies Rewiew, Vol 41.
- Wilkin, Peter, 2001, The Political Economy Of Global Communication: An Introduction(Human Security In The Global Economy), London, Pluto Press.